

# ضیاء القلوب

• محمد رضا زادهوش

معرفی کتاب



کتاب‌ها و رساله‌های مستقل، حواشی و یادداشت‌های او بر کتب فقها و حکمای گذشته یا معاصر، به چهل و پنج اثر می‌رسد که مشهورترین آنها سفینه النجاة در کلام، ضیاء القلوب و حکم رؤیة الهلال قبل الزوال است.

همچنین فاضل سراب، گذشته از مقام رفیع علمی، از مشایخ بزرگ اجازه در قرون یازدهم و دوازدهم هجری به شمار می‌آید و عده‌ای از بزرگان و محدثان معاصرش و دو قرن بعد، سلسله سندشان به او می‌رسد: محمدشفیع لاهیجی، شیخ زین الدین بن عین‌علی خوانساری، محمد بن حبیب گیلانی، محمدصادق نیشابوری، محمدجعفر کرمانی خراسانی اصفهانی، میر محمدحسین خاتون‌آبادی فرزند میر محمدصالح

ثانی، محمد بن ابی‌تراب حسینی مشهور به میرزا علاءالدین گلستانه، میرمحمدشرف عاملی نوه دختری میرداماد، سیدمحمدتنگابنی، محمدحسین تنکابنی لنبانی، محمدنصیر تنکابنی، عبدالباقی سبزواری، سلیمان سخت‌سری تنکابنی و بسیاری دیگر.

نکته مهمی که گوشزد نمودن آن درباره‌ی اجازات فاضل سراب، لازم به نظر می‌رسد، مدرک معتبر و سند منحصر به فردی است که صاحب روضات ارائه کرده و می‌نویسد: در اجازاتی که مورد استفاده ما قرار گرفته، هر عالمی که سند اجازه خود را منتهی به فاضل سراب بداند، توسط جدّامجد ما سیدحسین بن میر ابوالقاسم موسوی خوانساری است وی یکی از مشایخ آقامحمدعلی کرمانشاهی بن محمدباقر مروج بهبهانی و سیدمحمد مهدی بحرالعلوم و میرزای قمی است. آقا سید حسین موسوی خوانساری نیز توسط فرزند گرامی فاضل سراب یعنی ملامحمدصادق، روایت می‌کند. آن‌گاه که ملامحمدصادق، عازم حج بیت‌الله الحرام بوده، در قصبه خوانسار به منزل جدّامجد (سید حسین



- ضیاء القلوب (مباحثی در امامت)
- نگاشته و ترجمه: فاضل سراب
- تصحیح: صادق حسینی اشکوری
- قم: مجمع ذخائر، ۲ ج، چاپ اول، ۱۳۸۲

## فاضل سراب

ملا محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، مشهور به فاضل سراب، (۱۰۴۰ق) در «سراب» از روستاهای تنکابن دیده به جهان گشود و چندی در مدارس تنکابن و نزد والد خود مقدمات را فراگرفت، و پس از مهاجرت به اصفهان در نزد بزرگانی همچون محقق سبزواری، علامه مجلسی، آقا حسین خوانساری، ملامحمدعلی استرآبادی، ملا رجب‌علی تبریزی و شیخ علی صغیر به تحصیل علم پرداخت. بعد از مدت کوتاهی به اخذ اجازات

فقهی و روایی از استادانش نائل شد و در زمره دانشمندان مشهور زمانه در آمد و با بهره گرفتن از اساطین فقه و حکمت شیعی، برداشته‌های مختلف عقلی و نقلی، مسلط گردیده بود، در این شهر به تدریس پرداخت. فاضل سراب که از علمای بزرگ اصفهان به شمار می‌آمد به سبب وجود فضای مناسب و محیط مساعدی که به یمن وجود علامه مجلسی، پدید آمده بود، موقعیت بسیار خوبی یافت؛ و از ارکان حکومت و رؤسای علمای شیعه گردید.

وی در دانش‌های گوناگون فقه، کلام، حدیث و حکمت سرآمد دوران بود و در دید حاکم و حکومت وقت، عزیز و در نگاه علمای بزرگ زمان مقامی رفیع داشت. بدین ترتیب طلاب و فضلالی بسیاری، جذب حوزه‌ی درسی او شدند؛ و دانشمندان بزرگی از دامان پرفیضش، تربیت شده و از طلابه‌داران نامدار حوزه‌های علمیه گردیدند. وی علاوه بر داشتن منصب تدریس، مؤلفی پرکار بود، و آثار متنوع و متعددی در علوم اسلامی از خود به جای گذاشت. آثار او اعم از

داشتند که به وجوب نماز جمعه معتقد بودند. سرانجام فاضل سراب پس از عمری نزدیک به ۹۰ سال، در اواخر عهدشاه سلطان حسین صفوی در شب دوشنبه عید غدیر (۱۱۲۴ق) در اصفهان درگذشت. بیکر پاکش را در مجاورت تخت فولاد اصفهان - سومین قبرستان شیعیان جهان - به خاک سپردند. اکنون مزار او با بقعه‌ای عالی و اتاق‌هایی در اطراف، مطاف اهل نظر است. این تکیه، در اول تخت فولاد پس از تکیه آقا سیدابوالقاسم خواجویی قرار دارد و محل دقیق آن در سمت مشرق خیابان فیض نرسیده به دروازه قدیم تخت فولاد، مقابل تکیه واله اصفهانی است. علاوه بر فاضل سراب، جمعی دیگر از علما به ویژه اولاد و احفاد او نیز در اطراف و حوالی مقبره‌اش، آرمیده‌اند.

#### ضیاءالقلوب

یکی از تألیفات فاضل سراب کتاب ضیاءالقلوب است. این کتاب کلامی، ترجمه فارسی کتاب سفینه النجاة از تألیفات فاضل سراب است. در حقیقت مؤلف پس از گذشت سالیانی چند، به ارائه ترجمه فارسی کتاب خویش در رمضان (۱۱۱۴ق) اهتمام ورزیده است. وی درباره علت ترجمه سفینه النجاة چنین می‌نویسد: «چون عمده کتب شافیه، و زیر وافیه که متعلق به اصول دین مبین است، به الفاظ عربی تألیف شده، و جمعی که به عربی ربطی که سبب آشنایی به آن زبان، و باعث انتقال به قدر معتد به از مخفیات و رموز آن باشد، نداشته باشند، انتفاعی که به آن اکتفا توان نمود، نمی‌توانند برد؛ بنابراین، این ذره بی‌مقدار کثیر الرزل، و این پیر غافل قلیل العمل، محمد بن عبدالفتاح تنکابنی - غفر الله ذنوبهما، وستر عیوبهما - را خواطر رسیده که بعد از استخاره، به زبان فارسی در این علم، کتاب مختصری تألیف نماید که برادران ایمانی، و طالبان حیات جاودانی، بعد از تخلیه نفس از عادات و اهواء، و دست شستن از پیروی آباء و کبراء که ضرر رساننده به دین و ایمان، و محروم کننده از نعمت‌های جاودان از این هابیرون نیست، تأمل در براهین و ادله نموده، از حسیض تقلید که در این علم، انتفاع ظاهری

خوانساری) وارد شده و همان‌جا به وی و پدر بزرگوارش آقا میر سیدابوالقاسم، اجازه روایت می‌دهد.

همچنین یکی از علمای معاصر فاضل سراب، حاج محمد بن علی اردبیلی (۱۰۵۸ - ۱۱۰۱ق) از فقهای مقیم نجف اشرف و کربلای معلی است. وی که بیست و پنج سال عمر خود را به تألیف کتاب جامع الرواة پرداخته بود، در اواخر سده یازدهم - یعنی در اوج اتمام شهرت و اقتدار علامه مجلسی - به اصفهان رفته و از محضر علامه مجلسی، شیخ جعفر قاضی و ملا محمد علی استرآبادی استفاده کرده بود. زمان ورود او به اصفهان حدود ۱۰۹۰ ق بوده و جامع الرواة را در ۱۹ ربیع الاول ۱۱۰۰ ق انجام داده است. هنگامی که آن را به اتمام رساند، علمای عصر، آن را قبول کردند. شاه سلیمان صفوی دستور داد آن را پاکتویس کنند. چون خواستند استنساخ نمایند، مؤلف جمعی از بزرگان علمای عصر را در حجره‌اش در مدرسه مبارکیه جمع کرد و هر یک با خط خود قدری از خطبه کتاب را به عنوان تقدیر از کار وی نوشتند.

نخست، علامه مجلسی با خط خود نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم؛ سپس آقا جمال خوانساری نوشت: الحمد لله؛ آن‌گاه سید میرزا علاءالدین گلستانه نوشت: الذی؛ پس از آن، سید میرزا محمد رحیم عقیلی نوشت: زین قلوبنا؛ و از آن پس شیخ جعفر قاضی نوشت: و العدل؛ سپس ملا محمد سراب تنکابنی نوشت: الاثبات و الاعیان؛ و پس از آن سایر فضلا، کلمه کلمه تا پایان دو سطر اول خطبه را نوشتند که این عبارات است: «و الاصحاح من الرجال، و جنب صدورنا عن طریقه اهواء الضعفاء و القاسطین و الاشرار و الاخساء منهم و الجهال».

یکی دیگر از رویدادهای جالب توجهی که در زمان حیات فاضل سراب رخ داد و بیش از پیش، اهمیت مقام علمی او را آشکار کرد، جریان تشکیل جمعی از علمای بزرگ شیعه جهت تعیین حکم مربوط به نماز جمعه به دستور شاه سلیمان صفوی بود. در این مجمع، آقا جمال خوانساری در یک طرف قرار داشت - که به حرمت اقامه نماز جمعه در زمان غیبت قائل بود - و فاضل سراب و دوست دانشمندش ملا محمد سعید رودسری از شاگردان محقق سبزواری در طرف مقابل قرار

ندارد، متصاعد گشته، به اوج استدلال رسیده، به آرام تمام، متمکن گردند».<sup>۴</sup>

#### نسخه‌ها

۱. کتابخانه آیت‌الله سیدمحمدعلی روضائی، شماره ۳۵ کتابت علی بن محمدیوسف، ۱۳ رمضان ۱۱۱۴ق، ۱۸۷ برگ.<sup>۵</sup>
۲. کتابخانه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی، شماره ۸۹۶، کتابت قرن ۱۲، با افتادگی از انجام، ۳۳۰ برگ.<sup>۶</sup>

#### موضوع

ضیاءالقلوب یک دوره اصول دین استدلالی است؛ اما، مؤلف عمده مباحث را در این کتاب، حول محور مسئله امامت و رهبری پس از پیامبر اکرم (ص)، و اثبات خلافت حقه حضرت علی (ع) قرار داده است. می‌دانیم که در میان مباحث گوناگون دانش کلام، مبحث امامت در میان مسلمانان اهمیت ویژه‌ای دارد. چون بحث توحید و نبوت - که از ارکان اولیه اصول اعتقادی هستند - میان اهل اسلام مفروغ عنه و مسلم است، و اگر هم بحث‌های برهانی و استدلالی می‌شود، بیشتر به جهت آن است که دلیلی باشد در مواجهه با غیرمسلمانان و پیروان ادیان دیگر.

اما، در میان دانشمندان اسلامی مهم‌ترین موضوع مورد نزاع، بحث امامت بوده است. امامت به تعریف کتاب‌های شیعه و سنی نیابت از نبی مکرم (ص) در امور دنیوی و اخروی است، و مطابق حدیثی که فریقین از آن جناب (ص) نقل کرده‌اند: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» تمامی شئون دنیا و آخرت انسان منوط به امام بوده و اطاعت امام در تمامی مجالات واجب است.

گویی انشعاب مسلمانان به دو فرقه بزرگ شیعه و سنی نیز از همین موضوع سرچشمه گرفته است و اساس «احتجاج» و «مناظره» را میان اهل سنت و شیعه پدیدار نموده است. شیعه می‌گوید: امام پس از پیامبر (ص) علی بن ابی‌طالب (ع) است، و دلیل آنها نصوص و روایات فراوانی

است که مورد تأیید همه فرقه‌های اسلامی است.

ولی اهل سنت قائل‌اند که امام پس از پیامبر (ص) ابوبکر است. آنها معترف‌اند که نصی بر امامت او نبوده - تا چه رسد مورد اتفاق باشد! - در عین حال، دلیل بر امامت او را اجماع صحابه می‌دانند؛ و معترف‌اند بسیاری از بزرگان صحابه که در رأس آنها علی (ع) و فاطمه زهرا (س) بوده از بیعت سرپیچی کرده‌اند. نظر مؤلف در بحث امامت در سه موضوع خلاصه می‌شود:

الف. اثبات امامت امیر مؤمنان. پس از این که نبوت را به گونه‌ای مختصر ثابت کرد به حق معتقد است که با اثبات امامت امیر مؤمنان حقیقت مذهب شیعه به اثبات می‌رسد. پس از اثبات امامت امام اول، بقیه امامان شیعه نیز با توجه به روایات و تواریخ ثابت می‌گردند. لذا در اثبات امامت دیگر امامان بحثی بسیار کوتاه نموده است.

ب. ابطال امامت خلفا. مؤلف با نقل ادله اهل سنت و موشکافی در مطالب آنها، با بهره‌گیری از تاریخ و سیره خلفا، به رد آنان می‌پردازد.

ج. مؤلف، در نقد نظریه خلافت از شیوه‌ای دیگر استفاده می‌کند. بیان تعلیلات، مخالفت‌ها، بدعت‌ها و نقض‌های بی‌شماری که آنها در امر قرآن و سنت داشته‌اند، عامی منصف را بدان می‌دارد که در تقوای آنها تجدید نظر کند، و آماده پذیرش حق شود. از این رو گرچه مباحث مطاعن، جزئی از مباحث امامت است. ولی، خود نیز مستقلاً اهمیت دارد. بنابراین مؤلف برای آن اهمیت خاصی قائل شده است و نظیر این بحث را درباره عدالت صحابه نیز مشاهده می‌کنیم. مطلبی بسیار بی‌اساس که گاه با استدلال به آن، خواسته‌اند پوششی بر مخالفت‌های شرعی خلفا و تابعانشان بنهند. رد حدیث عشره مبشره ناظر بدین جهت است.

#### پیکره‌بندی کتاب

ضیاءالقلوب در چهار مقصد تألیف شده است:

مقصد اول: در باب اثبات صانع. مباحثی کوتاه و عقلی در برهان بر وجود خداوند، اثبات علم، قدرت، عدل و توحید لا یزال، اثبات این که



مسئله اثبات صانع را از راه برهان عقلی از دیدگاه کلامیان بیان کرده و درباره علم قدرت، عدل و توحید خالق متعال بحث می‌کند؛ و این که علم خدا عین ذات باری تعالی بوده، وجود خدا عین ذات او است؛ و واجب مطلق فقط خدا؛ و وجود مشترک معنوی است میان واجب و ممکن.

سپس مختصری درباره اثبات مسئله نبوت خاتم انبیا و پیامبر اکرم (ص) بحث می‌نماید و این که پیامبر فرستاده خدا است، در بیان تمام احکام شریعت و آنچه سعادت بشر در آن است از ناحیه خدا برای تمام انسان‌ها بیان می‌فرماید. آن گاه به طور مفصل وارد مباحث امامت می‌شود و چندین مبحث کلامی را با دیدگاه‌های مختلف نقد و بررسی می‌کند و مباحث مسئله امامت را با استدلال کامل و متقن به پایان می‌رساند اینک به چندین مبحث آن اشاره می‌شود:

اول: مبحث نصب امام که با دو مسئله بیان می‌شود یکی آیا اصل نصب امام واجب است یا واجب نیست؟ دوم آیا باید نصب امام به وسیله خدای متعال انجام شود یا مردم؟

در مسئله اول تمام فرق اسلامی اتفاق دارند که نصب امام واجب است؛ زیرا حفظ نظام و تمشیت امور دین و دنیا به وسیله امام انجام می‌شود.

و در مسئله دوم شیعه اثنا عشری قائل است که نصب امام باید به وسیله خدای متعال انجام گیرد و مخالفان شیعه قائل به نصب امام به وسیله مردم شده‌اند و شیعه برای اثبات مدعای خود دلیل‌های بسیار محکم ارائه نموده و تمام ادله مخالفان را رد نموده‌اند.

در این جا به ذکر دو دلیل برای مدعای مذهب شیعه بسنده می‌نماییم:

یک: امام حافظ شریعت و مبیین آن است، و می‌بایست در تمام ادوار زندگی خود مصون از خطا باشد چنانچه معصوم از خطا نباشد، احتمال اشتباه در بیان حکم می‌رود و نمی‌توان به قول وی اعتماد نمود و هیچ کس عالم به اسرار نهان مردم نیست مگر علام الغیوب و آن خدای متعال است؛ پس تعیین امام معصوم می‌بایست به وسیله خدا انجام شود تا مردم با خیال راحت به دستورات وی عمل نمایند.

دو: قاعده لطف یکی از مباحثی که در علم کلام بدان اشاره می‌شود مسئله قاعده لطف است که می‌توان بدین صورت تقریر نمود خدای متعال در قرآن مجید می‌فرماید: (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) که غرض از خلقت جن و انس برای عبادت و معرفت خدای متعال و کسب زاد و توشه برای آخرت است؛ و راه شناخت عبادت الهی می‌بایست برای تمام انسان‌ها مشخص باشد و جز بیان خدای متعال راهی دیگر در میان نیست؛ و می‌بایست خود ایزد متعال که خالق جن و انس است راه‌های عبادت و معرفت را بیان فرماید تا آن گونه که مورد پسند خدای متعال است انجام شود.

و خداوند در مرحله اول به وسیله پیامبران معصوم احکام خود را به انسان‌ها می‌رساند. پس از رحلت آنها به وسیله جانشینان بر حق آنها که همان اوصیا هستند که پیامبران الهی آنها را تعیین و مشخص می‌کنند بنابراین اوصیای پیامبران ادامه‌دهندگان راه انبیا هستند و

علم و وجود خداوند عین ذات او است، بحث این که موجود مشترک معنوی است، میان واجب و ممکن.

مقصد دوم: در اثبات نبوت پیامبر (ص) به صورت مختصر. مقصد سوم: در امامت. مفصل‌ترین مبحث کتاب و غرض اصلی از نگارش کتاب است.

مقصد چهارم: در معاد. در اثبات معاد جسمانی به ادله عقلیه و نقلیه، و دفع بعضی از شبهات فلسفی مانند شبهه آکل و ماکول، تناسخ، خرق و التیام.

عنوان برخی از مطالب خواندنی کتاب در قالب این چهار مقصد در جلد اول عبارت‌اند از: برهان وجود واجب الوجود؛ روایات تفریق امت؛ فقدان تحقق اجماع با اغراض خاصه؛ وجوب توبه غاصبان خلافت؛ احادیث غدیریة ابن بطریق؛ تفسیر صحیح اهل بیت و دفع اشکالات؛ مقاله ابن سعد و ملک ری؛ اخبار داله بر امامت ابوبکر!

در جلد دوم: کتک خوردن ابوهریره از عمر؛ چرا آیه نفاق در حق عمر نازل نشد؛ جعل روایاتی که ابوذر به اختیار خود به ریزه رفته؛ ملاقات ابوالاسود دؤلی با ابوذر؛ زدن عثمان ابن مسعود را؛ تمسک به احادیثی در توبه طلحه و زبیر؛ موضوعات بکره؛ شکوه امیرمؤمنان از قریش؛ تخالف میان امیرمؤمنان و سابقین؛ حدیث مانده و خبر طائر به نحوی دیگر؛ تأثیر ناگذاری سرما و گرما در امیرمؤمنان؛ غرض از مناشده حضرت به بعضی از کمالات عرضیه؛ شبهه آکل و ماکول؛ شبهه وسعت نداشتن آسمان و زمین از برای جنت و نار؛ کیفیت نطق اعضای آدمی در قیامت.

#### گزیده‌ای از مباحث

فاضل سراب در ابتدا به مسائل خداشناسی اعتراض کرده است و

دوم: حدیث غدیر، پیامبر (ص) پس از مراجعه از حجّه الوداع در آخرین حجی که رسول الله (ص) همراه جمعی فراوان از مسلمانان انجام دادند، در بازگشت از حج در محلی میان مکه و مدینه به نام غدیر خم پیامبر از طرف خداوند عزّ و جلّ مأمور گشتند به حکم این آیه شریفه (یا ایّها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربّک) که می‌بایست حکم الهی را دربارهٔ خلافت و جانشینی حضرت علی (ع) را به تمام همراهان و تمام افراد بشر ابلاغ نمایند. حضرت از مرکب پیاده شدند؛ و دستور دادند از بار شتران جایگاه بلندی ساختند؛ و حضرت بر بالای آن قرار گرفتند؛ و به دست راست خود حضرت علی (ع) را بلند نموده و با صدای بلند و شیوایی خود به تمام حضار فرمودند: آیا قبول دارید که من بر شما ولایت دارم؟ همه فرمودند؟ آری، سپس با ارائه نمودن حضرت علی (ع) فرمودند: من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه اللهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من اخذله.

و این دعای حضرت در کسانی مستجاب است که علی (ع) را به زبان و قلم خود یاری کردند، و خذلان و بدبختی برای کسانی است که از علی (ع) و خاندان پاکش دوری جستند.

هیچ منصفی شک ندارد که منظور پیامبر در آن وضعیّت خاص و در آن صحرای سوزان جز بیان جانشینی حضرت علی (ع) برای منصب خلافت و امامت نبوده است. این حدیث خوشبختانه مورد نقل تمام فرق مذاهب اسلامی قرار گرفته است، مگر آن کسانی که با خاندان عصمت و طهارت (ع) عداوت و دشمنی داشته که با تأویل‌های بسیار سست و نادرست این حدیث شریف را تحریف نموده‌اند.

پس از آن که پیامبر (ص) دستور وحی را به مردم رساندند این آیه شریفه بر آن حضرت نازل گردید (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً) خداوند عزوجل از این ابلاغ اظهار خوشنودی نموده، و به پیغمبر خود می‌فرماید: امروز دین من کامل گردید و نعمت خودم را بر بندگانش تمام کردم و اسلام را یک دین کامل قرار دادم و آنچه را پیامبر در طول بیست و سه سال دوران نبوت در توان داشتند بیان فرمودند، و آنچه باقی ماند از بیان احکام و معارف به وسیله اوصیای آن حضرت که ادامه دهندگان راه آن حضرت هستند به مردم ابلاغ فرمودند.

سوم: حدیث منزلت، این حدیث خوشبختانه مورد نقل کلیهٔ فرق اسلامی قرار گرفته است، و آن حدیث این است که پیامبر (ص) را با خود می‌بردند و از برکت وجود آن حضرت بود که غالب جنگ‌ها به پیروزی منجر می‌شد که بر هیچ کس مخفی نیست. در جنگ تبوک پیامبر (ص) برای جنگ آماده شدند و به حضرت علی (ع) فرمودند: شما در مدینه باقی بمانید تا من از جنگ برگردم.

حضرت علی (ع) که در تمام مراحل دوش به دوش پیامبر (ص) بودند و دوری آن حضرت را نمی‌توانستند تحمل نمایند. اظهار ناخشنودی کردند، و اظهار نمودند من همواره همراه شما بودم، برای من سخت است که در مدینه باشم و شما در میان انبوه دشمنان قرار گیرید و خدای ناخواسته کسی نتواند از شما دفاع نماید. پیامبر (ص) این جمله

می‌بایست تفاوتی در هیچ زمینه‌ای با هم نداشته باشند، به جز آن که بر انبیا و پیامبران وحی نازل می‌شود و مستقیماً با گرفتن وحی راه عبادت و معرفت را به مردم می‌رسانند و اوصیا ادامه دهندگان راه انبیا هستند. وحی بر آنها نازل نمی‌شود و آنها احکام الهی را از منبع وحی که همان قرآن و سنت نبوی باشد به مردم ابلاغ می‌نمایند و راه و رسم عبادت حقیقی را به مردم می‌رسانند، همان‌گونه که پیامبران می‌بایست مصون از خطا و اشتباه باشند همچنین اوصیای آنها می‌بایست معصوم از خطا باشند.

و چون انسان‌ها عالم به اسرار نهان مردم نیستند لذا می‌بایست تعیین خلیفه پیامبران به وسیله خود پیامبران انجام شود، تا خللی در بیان معارف حقّه الهی پیش نیاید. این یکی از ادلّه بسیار مهم شیعه است. و چون مخالفان ما اعتقاد به عصمت امام از خطا ندارند، می‌گویند که مردم می‌توانند امام و جانشین پیامبران را تعیین نمایند. لذا با این اعتقاد امامی را قائل می‌شوند. همچون خلفای ثلاثه، یا خلفای بنی‌امیه و بنی‌عبّاس که آن جنایات را در تاریخ بشریّت انجام می‌دهند و مسیر هدایت و معارف حقّه الهی را تغییر داده و امثال ابوحنیفه و مالک را به جامعه تحویل دادند که با رأی و استحسان احکام الهی را بیان کردند که مورد قبول امامان معصوم قرار نمی‌گرفت.

مبحث دوم آیا امامت از اصول دین است، یا از فروع؟ شیعه اثناعشری قائل است که امامت از اصول دین است و مخالفین شیعه معتقدند که امامت از فروع دین است و چندین دلیل برمدعای شیعه است:

یکی از آنها حدیث متواتری است که از شیعه و اهل سنت نقل شده است که پیامبر فرمودند: مَنْ ماتَ وَ لَمْ یعرفِ إمامَ زمانِهِ ماتَ میتهً جاهلیّةً.

این حدیث دلالت دارد بر این که امامت، مقصود به معرفت است، و می‌بایست هر انسانی امام زمان خود را بشناسد؛ و از وی پیروی نماید؛ و هرکس جاهل به امام زمان خود باشد؛ و باین جهل و نادانی از دنیا برود؛ همچون کافران و بی‌دینان از دنیا رفته است. و این دلالت دارد بر این که امامت از اصول مستحکم دین است، و همچنان که کسی منکر خدا و پیامبر باشد و از دنیا برود، بی‌دین از دنیا رفته است همچنین منکر امام بر حقّ و معصوم بی‌دین از دنیا رفته است، و هیچ تفاوتی با هم ندارند.

مبحث سوم: پس از بیان شمه‌ای از مطالب گذشته به تفصیل وارد مبحث اثبات امامت خاصّه حضرت علی (ع) از قرآن و سنت می‌شود: اول: آیه مودّت و آیه شریفه (انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلّاة و هم راکعون).

این آیه شریفه، ولایت مطلقه را به خدا و رسول (ص) و حضرت علی (ع) منحصر نموده است و مراد از الذین آمنوا حضرت علی (ع) است، این خود دلالت می‌کند بر این که حضرت (ع) خلیفه بر حقّ پیامبر (ص) است و از این آیه شریفه، مطالب بسیار مهمی در این زمینه استخراج می‌شود.

را به آن حضرت فرمودند: انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبی بعدی؛ یعنی نسبت تو به من همچون هارون است به موسی، همچنان که هارون، وصی و خلیفه حضرت موسی (ع) بود، تو هم خلیفه و وصی من هستی با این تفاوت که دیگر پیغمبری پس از من نخواهد آمد.

این حدیث بسیار واضح و روشن و صریح است بر این که حضرت پیامبر (ص) با این جملات، حضرت علی (ع) را به عنوان جانشینی خود معرفی می‌نماید.

در احادیث فراوانی در کتب اهل سنت دیده می‌شود که از آنها به وضوح استفاده می‌شود که پیامبر (ص) در موارد فراوان و به مناسبت‌های گوناگونی اشاره به مسئله امامت و خلافت حضرت علی (ع) نموده‌اند.

چهارم: حدیث ثقلین یکی از احادیث بسیار مشهور و معروف که شیعه و اهل سنت به اتفاق این حدیث را از پیامبر (ص) نقل نموده‌اند که آن حضرت فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی کتاب الله و عترتی اهل بیتی و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.

پیامبر (ص) مسیر هدایت را برای پس از رحلت خود برای تمام بشریت بیان فرموده‌اند که هر کس طالب سعادت و صراط مستقیم است می‌بایست به دو چیز پس از رحلت آن حضرت چنگ بزند یکی قرآن مجید که کتاب الهی است که تمام معارف حقه در این کتاب است، و دیگری عترت آن حضرت که خاندان معصوم و پاک آن حضرت‌اند، و این دو از هم دیگر جدا نمی‌شوند تا آن که حضرت در روز قیامت وارد شوند.

در این حدیث آن حضرت به وضوح بیان می‌فرمایند کسانی که طالب سعادت ابدی هستند، می‌بایست حتماً پیرو مکتب اهل بیت عصمت و طهارت باشند. بارها رسول الله (ص) در احادیث فراوانی تصریح به مراد خود از اهل بیت نموده، و در حدیث کساء و آیه تطهیر و غیره بیان فرموده‌اند که علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) از اهل بیت آن حضرت‌اند. بنابراین علی (ع) وصی و خلیفه بر حق آن حضرت است و آن حضرت قرآن ناطق، و مبین تمام معارف قرآن است، حتماً می‌بایست از طریق اهل بیت (ع) به این معارف برسد.

همچنان که قرآن حق است حضرت علی (ع) و خاندان معصوم آن حضرت بر حق‌اند و هر کس پیروی از آنها کند پیروی از حق و حقیقت کرده، و هر کس از آنها پیروی نکند، و از آنها دوری کند پیروی باطل نموده، و به شقاوت و بدبختی خواهد افتاد.

پنجم: آیه تطهیر، این آیه شریفه به اتفاق شیعه و اهل سنت درباره خاندان معصوم آن حضرت نازل شده است، در حدیث است که روزی پیامبر (ص) بر امام حسن و امام حسین و فاطمه و علی (ع) وارد شدند، و این آیه را تلاوت نمودند: (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً) خداوند عز و جل چنین اراده نموده است که رجس و پلیدی را از این خاندان بر طرف نماید و آنها را پاک و مطهر

قرار دهد.

در حدیث دیگر آمده است که پیامبر (ص) شش ماه تمام هنگام رفتن به مسجد برای نماز صبح نزد در خانه فاطمه زهرا (س) می‌ایستادند؛ و با صدای بلند می‌فرمودند: (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً).

از این حدیث به وضوح استفاده می‌شود که پیروی از خاندان عصمت و طهارت (ع) موجب نجات انسان می‌شود و هر کس از این خاندان معصوم پیروی نماید، در مسیر هدایت و صراط مستقیم الی الله قرار می‌گیرد، و هر کس از آنها پیروی ننماید؛ و از دشمنان تبهکار آنها پیروی نماید، در مسیر شقاوت و بدبختی و فلاکت قرار خواهد گرفت.

مسئلاً خاندانی که خداوند عز و جل اراده نموده که هر گونه رجس و پلیدی را از آنها برطرف نماید، هر کس پیروی از آنها نموده پیروی از حق و حقیقت نموده و به معارف حقه الهی خواهد رسید.

ششم: حدیث سفینه، این حدیث همچنان مورد اتفاق نقل شیعه و اهل سنت است که پیامبر (ص) فرمودند: مثل اهل بیتی مثل سفینه نوح من ركبها نجا و من تخلّف عنها هلك؛ مثل اهل بیت من همچون مثل کشتی نوح است هر کس پیروی از آنها نماید نجات خواهد یافت، و هر کس از آنها پیروی ننماید؛ و از دشمنان آنها پیروی نماید به هلاکت و بدبختی خواهد افتاد.

این حدیث به روشنی دلالت دارد که خاندان عصمت و طهارت (ع) بر حق و حقیقت‌اند؛ و پیروی از آنها پیروی از حق و حقیقت خواهد بود؛ و مایه نجات انسان‌ها در دنیا و آخرت خواهد شد؛ و در مقابل هر کس از خاندان عصمت و طهارت (ع) دوری بورزد؛ و از آنها پیروی ننماید، به بدبختی و فلاکت خواهد افتاد.

سپس فاضل سراب به طور مفصل وارد مبحث دیگر شده و آن این که خلافت دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به هیچ وجه صحیح نیست، ادله‌ای که دشمنان برای اثبات مدّعی خود بر پا نموده تمام آنها را نقد و بررسی می‌کند، و به وضوح مطلب را روشن می‌نماید که هرگز دشمنان و پیروی از آنها پیروی از حق و حقیقت نبوده و مایه نجات بشر نخواهد شد.

بارها حضرت علی (ع) این مطلب را بیان فرموده که پیروی از آنها با هیچ منطقی صحیح نبوده و نجات و سعادت را در پیروی از خاندان عصمت و طهارت (ع) می‌دانستند. در روایات بی‌شماری پیامبر (ص) بی‌دینی را محبت دشمنان این خاندان معصوم قرار داده‌اند و در این باره روایات فراوانی از خود اهل بیت وارد شده است.

ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء از پیامبر (ص) حدیثی نقل می‌کند که آن حضرت سوگند یاد فرمودند: دوست نمی‌دارد علی را مگر مؤمن و دشمنی نمی‌ورزد با علی مگر منافق، امثال این گونه احادیث در کتب اهل سنت به وفور پیدا می‌شود و در حدیث دیگر پیامبر (ص) فرمودند: خوشا به حال کسی که علی را دوست بدارد و بدبا به حال کسی که علی را دشمن بدارد.

در حدیث دیگر از پیامبر (ص) نقل شده که آن حضرت فرمودند:

شده بود؛ یعنی نسخه کتابخانه شخصی آیت‌الله سید محمدعلی روضائی، مقابله نشده است.

از سویی امکان ارائه متن در یک جلد نیز بوده ولی، مصحح محترم با افزودن بر حاشیه اطراف و فاصله سطرها و کاستن از تعداد سطرهای موجود در صفحه کتاب را دو جلدی نموده است. استخراج آیات، و روایات و مستندات تاریخی صورت گرفته است. ولی، عموماً مبتنی بر همان تحقیقات سیدمهدی رجایی در چاپ سفینه النجاة بوده است. همچنین متن‌های عربی موجود بیشتر بدون اعراب‌گذاری رها شده‌اند. ارجاع مکرر به متن چاپی سفینه النجاة برای سهولت کار پژوهشگران تنها در جلد اول صورت پذیرفته است.

اصلاح اغلاط کتابتی و تغییر الفظی که غلط کتابتی بوده انجام شده است و کلمه‌ای که در نسخه خطی مندرج بوده است عیناً در پاورقی نقل شده است. اما، بازهم اغلاط کتابتی در جای جای متن به چشم می‌آید.

تیتراهای مختلف میان قلاب [ ] اضافه شده است. ولی، تیتراهای فرعی و فرعی‌تر از یکدیگر قابل تشخیص نیست و تیتراهای اصلی نیز فونتی نامناسب دارند. متأسفانه این تیتراها گاه بسیار طویل و به سبک مغلق به کار رفته در متن شباهت دارند و هیچ‌یک در سرفصل‌ها به چشم نمی‌آیند.

به جز اغلاط کتابتی متن غلط‌های چاپی نیز فراوان و حتی در فهرست مطالب نیز به چشم می‌خورند. همچنین گاه شماره صفحات در این فهرست و در فهرست آیات و روایات به کلی گمراه‌کننده، اشتباه و تکراری است.

در این گونه متون کهن رعایت علائم سجاوندی لازم است. اما، متأسفانه کم‌تر به کار رفته است و فهرست اعلام و دیگر فهراس برای این کار سترگ در نظر گرفته نشده‌اند که جای بسی تأسف است.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - بنگرید به: زادهوش، محمدرضا. «کتاب‌شناسی احوال و آثار فاضل سراب»، مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، چاپ اول زمستان ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰۷ - ۲۲۶.
- ۲ - سفینه النجاة، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، ناشر، محقق، چاپ اول ۱۳۷۷ ش / ۱۴۱۹ ق.
- ۳ - ذریعه، ج ۱۵، ص ۱۲۷.
- ۴ - ضیاء القلوب، ج ۱، ص ۵۳.
- ۵ - فهرست، ج ۱، صص ۱۲۳ - ۱۲۶.
- ۶ - فهرست، ج ۲، ص ۱۲۷.
- ۷ - ضیاء القلوب، ج ۱، ص ۲۰۶.

«الحق مع علی و علی مع الحق» حق و حقیقت با علی است و علی با حق است.

یکی از دیگر مباحث مهم کتاب، خطبه غزای فاطمه زهرا (س) است. پس از رحلت پیغمبر (ص) که حوادثی رخ داد، دختر گرامی آن حضرت با دلی آکنده از غم برای اتمام حجّت وارد مسجد شدند و خطبه بسیار ارزشمندی را ایراد نموده و حق و حقیقت را همچون روز روشن بیان فرموده و حمایت بی‌دریغ خود را از امام زمان خود که علی (ع) باشد، بیان نمودند.

پس از آن فاضل سراب وارد مبحث اثبات خلافت ائمه اطهار می‌شود و با ذکر آیات و روایات بسیاری مبحث را به پایان می‌رساند. سپس به اختصار، متعرض مسئله معاد جسمانی که تمام انسان‌ها با همین جسم دنیوی در قیامت محصور خواهند شد، و پاسخ‌گوی اعمال دنیوی خود خواهند بود، و شبهاتی را که بعضی ملحدان در مسئله معاد جسمانی ایراد نموده‌اند، پاسخ می‌دهد و بیان می‌دارد: آیات و روایات فراوانی داریم که هیچ‌یک جای شک و شبهه نیست که انسان‌ها در روز قیامت با همین جسم محصور می‌شوند و پس از حساب و کتاب وارد بهشت و یا جهنم می‌شوند.

#### سبک نگارش

نگارش کتاب، همانند کتاب‌های عهد صفوی، خالی از تعقید نیست. مؤلف الفظی را که شاید به ذهنیت عالمانه خویش می‌انگاشته که احتیاج به ترجمه ندارند، عیناً در متن فارسی نیز تکرار نموده و سبب شده، فهم بعضی از مطالب، بدون مراجعه به کتاب‌های لغت ممکن نباشد: «آیا ترک کنم ملک ری را حالکونی که ری آرزوی من است یا بگردم گناه‌کار به کشتن حسین و در کشتن او آتشی است که نیست نزد آن آتش حجاب و مانع و از برای من در ری قره عین و سرور است»<sup>۱</sup>.

گفتنی است که در بسیاری از کتاب‌های کلامی و اعتقادی، با این‌که ردّ و ایرادهای فراوان به چشم می‌خورد. ولی، پس از انتشار نقض و ایرامات جدیدی به آنها وارد می‌شود و بازگشت بسیاری از این نقض‌ها به سوء استفاده از عبارات شخصی است که تنها بخشی از متن یک کلام یا واقعه بدون ذکر صدر و ذیل آن، نقل می‌گردد. مصنف، جایی که نصی را از مخالفان نقل می‌کند، با جرأت تمام، گفتار را به نحو کامل نقل کرده و سپس اشکال یا اشکالات وارد بر آن را بیان می‌دارد. از این رو ضیاء القلوب دارای اسلوب علمی قوی است و خواننده با انصاف را به تعقل و تدبیر و بازنگری در اعتقاداتش وا می‌دارد. تبخیر مؤلف در علم منطق، اصول و فقه استدلالی، وی را ناگزیر از به‌کارگیری اسلوب برهان و نقض، و ایرامات متعدد نموده است.

#### تصحیح کتاب

کتاب بر اساس نسخه کتابخانه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی حروف‌نگاری شده، و دو جلد است. در این باره باید گفت که متأسفانه متن حاضر با دیگر نسخه موجود که سال‌ها پیش به جامعه علمی معرفی

